



ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان
ریاست محکمه استیناف ولایت بدخشان
ریاست محکمه ابتدائیه رسیده گی به جرایم خشونت علیه زن و
تخلفات اطفال
فارمت احکام قطعی محکمه ابتدائیه رسیده گی به جرایم خشونت
علیه زن

شماره: (۶۶)

شهرت طرفین دعوی و نوع واقعه			
شهرت څارنوال	(ن ن)	نوع واقعه	لت و کوب
شهرت محکوم	(ن) ولد (د م) (د م) ولد (ع)	محل واقعه	فیض آباد ولایت بدخشان
وظیفه محکوم	غریبکار	تاریخ واقعه	۱۳۹۹/۵/۱۵
شهرت وکیل	(ا ب) دارنده جواز نمبر (۴۹۷۳)	سبب تحریک دعوی	عریضه متضرر
شهرت متضرر	(س) بنت (ش ج)	رابطه محکوم با متضرر	خانم برادر و ایور

شهرت قضات			
اسم	و	ل	م
تخلص	ع	ر	م
وظیفه	عضو قضائى	عضو قضائى	رئيس محکمه

خلاصه جریان قضیه	جریان طوریست که (س) طی قطعه عریضه عارض گردیده که روز پنجشنبه مؤرخ ۱۳۹۹/۵/۱۵ من رفتم سر جوی آب را رها کردم جواری خود را آب بدهم در این جریان (د م) آمد مانع من شد بعداً (ن)، (ه) و (ق) مداخله کردند من را (ن) ولد (د م) و (د م) ولد (ع) مورد لت و کوب قرار داده اند.
خلاصه دلایل و مطالبه څارنوال	۱- موجودیت نظریه داکتر در مورد لت و کوب شدن (س) نامه. ۲- تأیید (ن)، (ر) و (ع) شهود محل واقعه مبنی بر لت و کوب شدن (س) نامه از طرف (ن) و (د م). بنابر ذکر دلایل فوق از پیشگاه رئیس جلسه قضائی و اعضای محترم شان تقاضا و طلب دارم تا (د م) و (ن) را در قضیه لت و کوب (س) مطابق ماده (۲۲) قانون منع خشونت علیه زن و بارعایت ماده (۵۷۷) کود جزاء محکوم به مجازات نمایند. تا پند برای خودش و عبرت برای دیگران گردد.
خلاصه دفع متهم و یا وکیل مدافع	طبق حکم ماده (۳۱) قانون اساسی و ماده (۷) قانون اجراءات جزائی حقوق اساسی متهمان برایشان تفهیم گردید پس از تفهیم (ا ب) را بحیث وکیل مدافع تعیین نمودند در رابطه به دعوی څارنوال از وی استجواب بعمل آمد اظهار داشته که دعوی څارنوال برایم داده شود تا جواب تحریری خود را حاضر نمایم وکیل مدافع مذکور جواب تحریری خود را تقدیم نمود که فشرده آن قرار ذیل است: موکلم (د م) بیان میکند که تقریباً ساعت های سه و یا هم سه و نیم بعد از ظهر درخانه نشسته بودم متوجه شدم که تمام حویلی و زمین و کشت و زراعتم را آب گرفته است از خانه برآمده آب را بند نموده به خانه آمدم چند دقیقه بعد باز متوجه شدم که آب را دوباره رها نموده و زمین هایم را آب گرفته است دوباره رفته آب را بند کردم در اصل نمیدانستم که کی آب را رها نموده باشد در همان وقت (س) از بین کشت جواری های خود برآمده به داو و دشنام دادن من شروع کرد و با بیل داشته اش بطرف من آمده از یختم گرفت از اینکه وی یک زن است و بخاطر حرمت برادرم چیزی نگفتم دست اش را از یختم دور کردم موصوف داو و دشنام زنان بطرف سرک دویده و نزد برادرانش رفت، برادرانش بالایم حمله ور شدند من فرار نموده در خانه پنهان شدم و از خانه نبرآمدم در زمان وقوع واقعه پسر (ن) در خانه نبوده بلکه در بالای خرمن بخاطری جمع آوری غله جات رفته بود. موکلم (ن) بیان میکند که همان روز واقعه بخاطر جمع آوری غله جات من به خرمن رفته بودم و از قضیه اصلاً آگاهی نداشتم بعد از عصر زمانی به خانه آمدم پدرم برایم گفت (س) و برادرانش (ق آ) و (ج آ) بالایم حمله نموده میخواستند مرا لت و کوب نمایند من بدون اینکه چیزی بگویم. به اسامی (ج آ) زنگ زدم و گفتم چرا بالای پدرم حمله نمودند بدون موجب مرا به داو و دشنام دادن شروع کرد و گفت خوب کردم هر کاری از دستم بیاید انجام میدهم. دلایل څارنوال بی اساس بوده بناءً نظر به دلایل فوق از مقام محترم شما رئیس صاحب و هیأت قضائی تان میخواهم و طلب دارم تا وفق ماده (۵) کود جزاء به براءت موکلینم اصدار حکم فرموده عدالت فرمایند.

<p>خلاصه استدلال هیئت قضائی</p>	<p>از لابلای اوراق دوسیه، صورت دعوی خائنوال، اوراق تحقیق معلوم میگردد که (س) جهت آبیاری زمین و درختان خویش آب جوی رها کرده و (د م) به نسبت اینکه آب جوی به زمین و خانه اش رفته است برایش ضرر رسانیده فوراً آمده آب جوی را بند کرده و (س) نامه دوباره سر جوی آب آمده است چرا با بند شده است در همین وقت (د م) و (س) نامان باهم درگیر شده و منجر به لت و کوبی (س) نامه از طرف (د م) ولد(ع) و (ن) ولد (د م) گردیده است.</p> <p>دلایل الزام:</p> <p>۱- اعتراف متهم (د م) مبنی بر جنجال و دست به یخن شدن با (س).</p> <p>۲- اظهارات و معلوماتی های هریک (ن) ولد (م ر) و (ع ق) ولد (ع ک) شاهدان محل واقعه مبنی بر لت و کوب شدن (س) نامه توسط (ن) ولد (م د) و (د م) ولد (ع م) که .</p> <p>۳- نظریه داکتر شفاخانه بر این که (س) بنت (ش ج).</p> <p>و راجع به اعتراض متهم (ن) ولد (د م) مبنی بر اینکه (س) نامه را من لت و کوب نکردم و در وقت قضیه من سر خرمن بودم و شاهدان که بر علیه من شهادت نمودند آنها با من قبلاً خصومت داشتند و دوسیه مایان در محکمه فیصله گردیده است. محکمه یک نقل فیصله را بنا بر اعتراض متهم مطالبه نمود که فیصله مصدوریه نمبر (۵۷) مؤرخ ۱۳۹۸/۵/۲۷ دیوان جزاء عمومی شهری را تقدیم جلسه قضائی نمودند. که بملاحظه ورق اول فیصله خط متذکره از جمله شاهدان محل واقعه قضیه لت و کوب (س) صرف (ر) ولد(ق) شامل فیصله متذکره و از جمله اشخاص بوده که قبلاً باهم در یک جنگ مغلوبه درگیر و مجازات شده بودند که اظهارات وی مطابق به قانون عندالمحکمه پذیرفته نشد. ولی دو نفر دیگر هریک (ن) ولد(م ر) و (ع ق) ولد (ع ک) من حیث شاهدان محل واقعه که اظهارات شان در خائنوالی گرفته شده بود پذیرفته شد. فلها نظر به دلایل فوق ادعای خائنوال در مورد متهمان قضیه وارد بوده، بناءً حسب هدایت ماده (۲۲) قانون منع خشونت علیه زن و مطابق به هدایت فقره (۱) ماده (۵۷۷) کود جزاء و بارعایت فقره (۴) ماده (۵۷۸) کود مذکور قابل مجازات میباشند، بناءً ماهیئت قضائی تصمیم ذیل را اتخاذ نمودیم.</p>
<p>نص حکم</p>	<p>ما هیئت قضائی ریاست محکمه ابتدائیه اختصاصی رسیده گی به جرایم خشونت علیه زن ولایت بدخشان در جلسه علنی قضائی منعقدہ تاریخی ۱۳۹۹/۷/۱ به اتفاق آراء در حال حضور داشت خائنوال مؤظف و وکیل مدافع و طرفین قضیه، بنابر جریان و دلایل فوق متکی به حکم ماده (۲۲) قانون منع خشونت علیه زن، و طبق فقره (۱) ماده (۵۷۷) کود جزاء و بادر نظر داشت فقره (۴) ماده (۵۷۸) کود مذکور شما هر یک (د م) ولد (ع) و (ن) ولد (د م) را در قضیه نسبتی لت و کوب مسمات (س) بنت (ش ج) هر واحد تان را به مبلغ هشت، هشت هزار افغانی جزای نقدی محکوم به مجازات نمودیم.</p>
<p>سبب قطعیت حکم محکمه ابتدائیه</p>	<p>طبق معلومات خائنوالی مربوطه، قطعی گردیده است.</p>